



۲۰۱۶/۱۲/۰۳



م. اسحاق نگارگر

## بشر با انکشاف سلاح های اتمی

### به دست خود قبر خود را کنده است

این یادداشت را من سه سال پیش در ۲۵ نومبر ۲۰۱۳ نوشته بودم و اینک وضع در هم و برهم جهان نه تنها بر انسانیت ما تمسخر می کند بلکه جهان را به سوی یک جنگ ذروی نیز می کشاند. یا لبرالیزم بر حرص و افزون طلبی های انحصارات بین المللی غلبه می کند و یا کسانی مانند "دونالد ترمپ" به قدرت می رسند که هنوز از راه نارسیده کشوری را که ده برابر امریکا تاریخ و شکوه تاریخی دارد به دلیل ضعف امروزش نادیده می گیرد و خود را مالک نفتش می پندارد. به نظر او عراق تنها به همین خاطر وجود دارد که نفت آنرا "دونالد ترمپ" غارت کند. این گونه قدرت نمایی ها اثر بسیار دردناک دارد و می خواهد تاریخ کهنه استعمار و زورگویی را دوباره زنده کند؛ غافل از اینکه حتی مسیحا نیز از دوباره زنده کردن این مرده عاجز است وقت آن است که جهان از تجربه هیروشیما و ناگاساکی عبرت بگیرد. من این یادداشت را یک بار دیگر به ملاحظه تان می رسانم. ۲۵ نومبر ۲۰۱۶ بر منگهم نگارگر

\*\*\* \*\*

ششم اگست ۱۹۴۵ بود. امریکا به جاپان اخطار داده بود که بعد از شکست و تسلیمی آلمان تسلیم شود. جاپان نمی خواست به خفت تسلیم تن بدهد و امریکا نیز بی میل نبود قدرت تخریب بم اتمی را که ساخته بود بیازماید. همین بود که در ششم اگست بمی در هیروشیما و در نهم اگست بمی در ناگاساکی فرو افگند. بمی که بر هیروشیما فرو افگنده شد بچه کوچک و بمی که بر ناگاساکی فرو افگنده شد مرد جاق خوانده می شد. مردم هیروشیما تجربه قبلی نداشتند. از نود هزار تا یکصد و شست و شش هزار جان خود را از دست دادند و تلفات ناگاساکی نیز از شست تا هشتاد هزار کس تخمین زده شد. تجربه هیروشیما نشان داد که بشر با انکشاف سلاح های اتمی در واقع به دست خود قبر خود را کنده است. به زودی سلاح های اتمی از انحصار امریکا بدر آمد و روسیه، انگلستان، فرانسه، چین، هند و اسرائیل و بالاخره پاکستان و کوریای شمالی نیز خود را صاحب سلاح های اتمی ساختند. رقابت ها و نزاع های سرحدی کشور های رقیب را واداشت که حاصل تولید ملی خود را وقف سلاح های اتمی کنند. اما تجربه سونامی سال ۲۰۱۱ جاپان نشان داد که آفات طبیعی زلزله ها و سیلاب های بحری نیز می تواند کنترل این سلاح ها را از دست انسان بیرون آورد. بدین دلیل سلاح های اتمی خاری است که انسان خود بر بستر راحت خود پاشیده است و بهتر است که

هرچه زودتر خود را از شر این خار بغل نجات دهد و کشورهای بزرگ یعنی امریکا، روسیه، چین، هند، انگلستان و فرانسه در راه خلع سلاح اتمی پیشگام شوند تا دیگران هم با اطمینان خاطر سلاح های خود را کنار بگذارند در غیر آن هر کشوری که اقتصادش از خون انکشاف و پیشرفت رنگ یافت به فکر اتم و نیروی اتمی می افتد و تا این سلاح در زرادخانه های عالم وجود دارد انسان نمی تواند به آرامی بخوابد. "انجلا. ام. کلفتن" شاعره امریکایی شعری آزاد یعنی فارغ از قید وزن و قافیه دارد که من آنرا به شعر دری ترجمه کرده و برای یادداشت امروز برگزیده ام. امیدوارم انسان از بم های هیروشیما و ناگاساکی درس عبرت بگیرد و بداند که دیگر سلاح اتمی در انحصار یک کشور نیست که وسیله باداری و فرمان فرمایی برجهان شود بلکه سبب ویرانی جهان می شود و بنا براین انسان چه بخواد و چه نخواهد مجبور است از دو حالت یکی را برگزیند. یا سلاح های اتمی را از میان ببرد و یا با سلاح هایی که ایجاد نموده است خود را و تمدن خود را نابود نماید و میتوان توقع کرد که انسان خرد گرایی را بر زور و سرتنبگی ترجیح بدهد و این هم آنچه انجلا کلفتن گفته است:

بمی افتاد و چون گل شد شگوفان	سوی خورشید ره پیمای شتابان
در آن سو دورتر بی چاره مردم	به صد حیرت همی کردند غم غم
ندانستند آن بیچارگان نغز	که تخم مرگ پاشیده است این مغز
گل افسرد و ندانست آدمیزاد	که در آن روز تابستان چه رخ داد
ولی شد سال ها بعد آشکارا	که گل بود از تبار خشک صحرا
همی مردند و می کردند فریاد	به سوی اختران کای داد و بیداد
شما کیفر دهید این وحشت و خون	که صدها نخل قامت کرد و ازون
به تلخی می کند انسان فردا	ز بیداد نیاکان داستان ها

## Hiroshima

The bomb burst like a flower,  
 And grew upward under the sun.  
 And men stood a far off, and wondered  
 What was the meaning of this?  
 Then the flower died, and they partly forgot  
 What had happened that summer day.  
 But in later years terror reigned in land,  
 For the deadly blight of the flower had fallen on men,  
 And as they died they cried to the stars to avenge  
 This in humanity of men to men.  
 And future generations inherited  
 A sorrow and a remembrance of it,  
 And a lesson drawn from their ancestor's futility.